

# اثر بخشی آموزش گروهی فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران بر نشانه‌های اختلالات برونی‌سازی شده کودکان

♦ دکتر محمد حسینی‌زاده<sup>۱</sup> ♦ صمد پیشرو<sup>۲</sup> ♦ علیرضا محسنی‌ازیه<sup>۳</sup> ♦ محمد محکی<sup>۴</sup>

## چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش گروهی فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران بر نشانه‌های اختلالات برونی‌سازی شده کودکان است. روش پژوهش شبه‌آزمایشی است و از طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر متشکل از مادران کودکان ۶ تا ۸ ساله شهر تبریز بود که در پاییز و زمستان سال ۱۳۹۶ به مرکز مشاوره تخصصی کودک ندای امید مراجعه کرده و از طریق سیاهه رفتاری کودک (CBCL) آخنباخ-نسخه والدین، کودکان آنها دارای نشانگان برونی‌سازی شده تشخیص‌گذاری شده بودند. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود که ۲۴ مادر انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۲ نفر) و کنترل (۱۲ نفر) قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت هشت جلسه دو ساعته، تحت آموزش فرزندپروری قرار گرفتند و گروه کنترل آموزشی دریافت نکردند. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس (آنکوا) و با نرم‌افزار آماری SPSS-22 تحلیل شدند. نتایج به دست آمده نشان داد که در مرحله پس‌آزمون، میان میانگین گروه آزمایش و کنترل پس از حذف تأثیر پیش‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد ( $F=72/732$  و  $P<0.5$ ). همچنین نتایج نشان داد در مرحله پیگیری میان میانگین گروه آزمایش و کنترل پس از حذف تأثیر پیش‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد ( $F=43/895$  و  $P<0.5$ ). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با توجه به اثربخشی آموزش گروهی فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد در پژوهش حاضر می‌توان از روش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد در مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی، برای کاهش نشانه‌های اختلالات برونی‌سازی شده کودکان بهره جست.

کلید واژگان: فرزندپروری، پذیرش و تعهد، کودکان مبتلا به اختلالات برونی‌سازی شده

© تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۷

© تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۱

۱. نویسنده مسئول: دکتری روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، آموزگار استثنایی شهر تبریز. Mhosseinializade@yahoo.com  
 ۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی. samadpishro@gmail.com  
 ۳. دانشجوی دکتری روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه اصفهان. armohseni1368@gmail.com  
 ۴. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان. mmahaki6411@yahoo.com

## مقدمه

در پهنه روانشناسی مرضی تحولی<sup>۱</sup>، اختلالات برونی‌سازی شده<sup>۲</sup> از شایع‌ترین علل مراجعه کودکان به مراکز و کلینیک‌های سلامت روان به‌شمار می‌روند (لیستاگ - لونده، بردمایر و تاینن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). اختلالات برونی‌سازی شده دربرگیرنده طیفی گسترده از رفتارهای ناهمگون همراه با تأکید بر تفاوت‌های فردی است. به عبارت دیگر ساختار رفتارهای برونی‌سازی شده شامل گروهی از مشکلات می‌شود که در رفتارهای بیرونی کودکان بروز می‌کند (داج، گرینبرگ، ملون و گروه پژوهشی مقابله با مشکلات سلوک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸) و به شکل رفتارهای منفی در محیط بیرونی منعکس می‌شود (کمبل، شاو<sup>۵</sup> و گیلیوم<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸؛ به نقل از رضایی، خدابخش‌کی کولایی و تقوایی، ۱۳۹۴).

اختلالات برونی‌سازی شده الگوهای رفتاری سازش‌نیافته‌ای‌اند که در تعارض با دیگران و انتظارات آنها قرار می‌گیرند (آخنباخ<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴) و در برگیرنده دو گروه رفتارهای قانون‌شکنانه و پرخاشگرانه‌اند که در صورت پایدار بودن و ایجاد نارسایی‌های معنادار در زندگی روزانه فرد غالباً در چارچوب مقوله‌هایی مانند اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی<sup>۸</sup>، اختلال سلوک<sup>۹</sup> و اختلال نافرمانی مقابله‌ای<sup>۱۰</sup> قرار می‌گیرند (خانجانی و هداوندخانی، ۱۳۹۱). شیوع این اختلالات در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون در حدود ۷ تا ۲۶ درصد گزارش شده است. در ایران نیز میزان شیوع آن براساس طبقه‌بندی بالینی در مقیاس مبتنی بر DSM، ۴/۵ و براساس طبقه‌بندی مرزی ۸ درصد گزارش شده است (شیری، ولی‌پور، مظاهری و رودباری‌سقای، ۱۳۹۳). این اختلالات در کودکان عامل خطر عمده برای مشکلات سازگاری در آینده (مک‌کی، کولتی، راکو، جونز و فورهند<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۸، به نقل از ناصح و محمودی، ۱۳۹۰)، بزهکاری در نوجوانی و رفتارهای مجرمانه و پرخاشگری در بزرگسالی محسوب می‌شوند (لیو<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۴). همچنین این کودکان در معرض طردشدگی از سوی همسالان، مشکلات تحصیلی و ابتلا به اختلالات خلقی و تعارض با والدین قرار دارند (ناصر و محمودی، ۱۳۹۰).

در حیطه سبب‌شناسی اختلالات برونی‌سازی شده با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان گفت این اختلالات براینده مشترک طیفی وسیع از متغیرهای زیستی، روانی و اجتماعی‌اند و در نقش عوامل زمینه‌ساز، نگهدارنده و تسریع‌کننده عمل می‌کنند (هیگز، ساوث، دیراگو، ایباکونو و

1. Developmental Psychopathology
2. Externalizing disorders
3. Listug-Lunde, Bredemeier & Tynan
4. Dodge, Greenberg, Malone & Conduct Problems Prevention Research Group
5. Shaw
6. Gilliom
7. Achenbach
8. Attention Deficit Hyperactivity Disorder (ADHD)
9. Conduct Disorder (CD)
10. Oppositional defiant disorder (ODD)
11. McKee, Colletti, Rakow, Jones & Forhand
12. Liu

مک‌گیو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). لذا به نظر می‌رسد که با وجود اهمیت عوامل زیستی و مزاجی (بردلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳) و آسیبها و بیماریهای جسمانی دوران پیش از تولد و کودکی (دادستان، ۱۳۹۳)، عوامل نامساعد محیط خانوادگی، از جمله سبکهای تربیتی ناکارآمد والدینی، جو ارتباطی منفی والد-فرزند (فابیانو، پلهام، کولز، نگی، کرونیس-تاسکانو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹)، منفی‌گرایی بیش از حد مادرانه و نارسایی در مهارتهای اجتماعی (آلبرت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵) در ظهور و گسترش، تداوم و تشدید نشانه‌های اختلالات برون‌ساز شده دارای نقش کلیدی هستند (ناصح و محمودی، ۱۳۹۰). همچنین خانجانی و هداوندخانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود تأثیر شخصیت مادران بر اختلالات برون‌ساز شده کودکان را گزارش کرده‌اند. بنابراین با توجه آنچه مورد بحث قرار گرفت می‌توان به چند دلیل اهمیت مطالعه رفتارهای برون‌ساز شده را مطرح کرد:

۱. شیوع بالا و یکی از شایع‌ترین علل مراجعه به مراکز مشاوره و خدمات درمانی، ۲. دریافت تشخیص بالینی اختلالات سلوک، بیش‌فعالی و نافرمانی مقابله‌ای در صورت تداوم، ۳. ایجاد تنش در خانواده و روابط والد-فرزند و ۴. گرایش به رفتارهای بزهکارانه و هنجارشکنانه و رفتارهای ضداجتماعی در آینده.

بر اساس یافته‌های پژوهشهای متعدد مشخص شده است که تعامل نامناسب خانواده با کودکان و فرزندپروری نادرست از عوامل تداوم‌بخش و تشدیدکننده رفتارهای برون‌ساز شده کودکان است (رانین و دبلینگر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳؛ بورنزهوئر-بوزول، گارزا و واتز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳؛ لین، لی، چی، وانگ و هت<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۶؛ محمدلو، قربانیان و خانبانی، ۱۳۹۴). با افزایش آگاهی و حساسیت جامعه و صاحب‌نظران بهداشت روان نسبت به اختلالات برون‌ساز شده و پیامدهای بلندمدت و مخرب آن برای کودک، خانواده وی و جامعه، مسئولان تعلیم و تربیت با حساسیت بیشتر بر درمان و پیشگیری از این اختلالها متمرکز شده‌اند. برنامه‌های تدوین‌شده پیشگیری زودهنگام تأثیرگذاری هرچه بیشتر این مداخلات را وابسته به حضور والدین در امر مداخله می‌دانند، زیرا از یک‌سو کودک به‌شدت تحت تأثیر خانواده قرار دارد و از سوی دیگر مداخله مستقیم بر خود کودکان دارای مشکلات بسیار است و در برخی از موارد امکان‌پذیر هم نیست. بنابراین یکی از راههای پیشگیری از این مشکلات مداخله بر والدین به‌ویژه مادر است (شیرجنگ، مهریار، جاویدی و حسینی، ۱۳۹۷). کاکاوند، شمس‌اسفندآباد و بیرانوند (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود مداخلات مبتنی بر خانواده با محوریت مادر را در بهبود علائم رفتاری کودکان با اختلالات برون‌ساز شده مؤثر گزارش کرده‌اند. فان‌درپلوخ و شولته<sup>۸</sup> (۲۰۰۸) نیز بهترین راهکار برای حل مشکلات رفتاری کودکان را

1. Hicks, South, DiRago, Iacono & McGue
2. Bradley
3. Fabiano, Pelham, Coles, Gnagy & Chronis-Tuscano
4. Albert
5. Runyon & Deblinger
6. Bornsheuer-Boswell, Garza & Watts
7. Lin, Li, Chi, Wang, Heath
8. Van der Ploeg & Scholte

بهبود تعاملات والد - فرزندی دانسته‌اند. بنابراین مداخلات فرزندپروری به‌ویژه با محوریت مادر می‌تواند در بهبود اختلالات رفتاری کودکان بسیار مفید باشد. با توجه به مداخلات گسترده‌ای که با رویکردهای گوناگون صورت گرفته است، در این پژوهش بر آن هستیم تا آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد را که از رویکردهای نوظهور نسل سومی است و به‌نظر به‌دلیل تلفیق با فنون شرقی برای جامعه ایرانی مناسب‌تر است (زمستانی، قلی‌زاده و علایی، ۱۳۹۷) و همچنین برای اینکه جنبه‌های انگیزشی را به‌همراه جنبه‌های شناختی از نظر تأثیر و تداوم بیشتر اثربخشی مدنظر دارد (شاکرادرکانی، رحیمی و صالح‌زاده، ۱۳۹۶)، مورد بررسی قرار دهیم.

درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد<sup>۱</sup> رویکردی به مداخله‌های روان‌شناختی است که نه براساس فنون مشخص بلکه براساس فرایندهای نظری معینی تعریف می‌شود. براساس مفاهیم نظری، این رویکرد یک‌مداخله روان‌شناختی براساس روانشناسی رفتاری مدرن است که نظریه چارچوب ارتباطی را شامل می‌شود که در این نظریه از فرایندهای توجه‌آگاهی و پذیرش و تعهد و تغییر رفتار به‌منظور حصول انعطاف‌پذیری روان‌شناختی استفاده می‌شود (هیز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). همچنین برای دستیابی به انعطاف‌پذیری روان‌شناختی<sup>۳</sup>، از شش فرایند پذیرش<sup>۴</sup>، گسلس<sup>۵</sup>، خود به‌عنوان زمینه<sup>۶</sup>، ارتباط با زمان حال<sup>۷</sup>، ارزشها<sup>۸</sup> و عمل متعهدانه<sup>۹</sup> عبور می‌کند (هیز، لوئوما<sup>۱۰</sup>، باند<sup>۱۱</sup>، ماسودا<sup>۱۲</sup> و لیلیس<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۶؛ به نقل از حیدریان‌سامانی، سجادیان و حیدری‌شاده‌ی، ۱۳۹۶).

زمانی که کودک در بدترین حالت خود است، از والدین انتظار می‌رود به بهترین شکل رفتار کنند. اما مشکل این است که والدین هم انسان هستند و در معرض واکنش نشان دادن تکانشی، خشم و ترس‌اند، از این‌رو فرزندپروری بی‌نقص ممکن نیست؛ اما فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد کمک می‌کند تا والدین اهداف بلندمدت فرزندپروری را در یاد نگه‌دارند، برای انجام دادن کارهای درست در این مسیر از خودشان سپاسگزار باشند و مهم‌تر از همه اینکه از پاداشها و مزایای پرورش یک کودک لذت ببرند. مهارت‌های درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) به والدین کمک می‌کنند تا مهارت‌های انعطاف‌پذیری

1. Acceptance and commitment therapy (ACT)
2. Hayes
3. Psychological flexibility
4. Acceptance
5. Diffusion
6. Self as a context
7. Contact with present moment
8. Values
9. Committed action
10. Luoma
11. Bond
12. Masuda
13. Lillis

و توجه‌آگاهی را در خود پرورش دهند و با بهره‌گیری از این مهارتها به کودک خود کمک کنند تا از مراحل مهم رشدی گذر کند و دست‌اندازهای مسیر زندگی را به‌خوبی پشت سر بگذارد. همچنین والدین را قادر می‌سازند که با ظرافت، مخالفت‌ورزیهای کودک را مدیریت کنند، وقتی که احساس خستگی و از پا درآمدن می‌کنند دوباره روی ارزشهای مهم زندگی‌شان تمرکز کنند، وقتی که اشتباه می‌کنند با خود مشفقانه رفتار کنند و در نهایت وقتی که کودک از مراحل رشد گذر می‌کند، متناسب با این تغییرات، فرزندپروری کنند (کوین و مورل<sup>۱</sup>، ۱۳۹۷). همچنین فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد، توانایی این را دارد که رابطه میان والد و کودک را از طریق تسهیل شناسایی اجتنابهای تجربی والدین بهبود بخشد و در پاسخگویی والدین نسبت به نیازهای فرزند خود اثربخش باشد (براون، ویتینگهام، بوید، مک کینلی و سافرونوف<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

بلکلج<sup>۳</sup> و هیز (۲۰۰۶) اثربخشی آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد را بر کاهش نشانه‌های افسردگی، بهبود عملکرد فرزندپروری و افزایش سلامت عمومی، پودار، سینها و اوربی<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) انعطاف‌پذیری روان‌شناختی والدین کودکان اتیسم و گولد<sup>۵</sup>، تارباکس<sup>۶</sup> و کوین (۲۰۱۸) بهبود عملکرد فرزندپروری را مثبت و مؤثر گزارش کرده‌اند. در داخل کشور نیز در زمینه اثربخشی فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد فقیهی و کجیاف (۱۳۹۵ و ۱۳۹۶) به‌ترتیب اثربخشی آن را بر عزت‌نفس و افسردگی کودکان دچار شکاف کام معنادار گزارش کرده‌اند. اما شایان ذکر است که تا به حال هیچ پژوهشی اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد را بر کاهش نشانه‌های اختلالات برونی‌سازی شده مورد بررسی قرار نداده است. لذا با توجه به موارد ذکر شده پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش فرزندپروری گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران پر نشانه‌های اختلالات برونی‌سازی شده کودکان انجام شده است.

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری با گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر متشکل از همه کودکان ۶ تا ۸ ساله شهر تبریز بود که والدینشان در پاییز و زمستان سال ۱۳۹۶ به مرکز مشاوره تخصصی کودک ندای امید مراجعه کرده، پرسشنامه فهرست رفتاری کودک را تکمیل کرده بودند و کودکان دارای نشانگان برونی‌سازی شده تشخیص‌گذاری شده بودند. روش نمونه‌گیری با توجه به شدت مشکلات برخی کودکان و نیاز به درمان زود هنگام

1. Coyne & Murrell
2. Brown, Whittingham, Boyd, McKinlay & Sofronoff
3. Blackledge
4. Poddar, Sinha & Urbi
5. Gould
6. Tarbox

روان‌شناختی یا دارو و همچنین با توجه به اینکه همهٔ مادران این کودکان شرایط شرکت مستمر در طول جلسات آموزشی را نداشتند به صورت در دسترس بود که ۲۴ مادر انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۲ نفر) و کنترل (۱۲ نفر) قرار گرفتند. گروه آزمایش تحت مداخلات آموزشی قرار گرفت و گروه کنترل در لیست انتظار قرار گرفت.

### ● ابزارهای پژوهش

ابزار پژوهش برای اندازه‌گیری مشکلات برونی‌سازی شده کودکان سیاهه رفتاری کودک (CBCL) آخنباخ - نسخه والدین است. سیاهه رفتاری کودک متشکل از مجموعه فرمهای موازی آخنباخ ASEBA بود که مشکلات کودکان و نوجوانان را در زمینهٔ هشت عامل اضطراب/افسردگی، انزوا/افسردگی، شکایتهای جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، نادیده گرفتن قواعد و رفتار پرخاشگرانه ارزیابی می‌کند. دو عامل نادیده گرفتن قواعد و رفتار پرخاشگرانه عامل مرتبه دوم مشکلات برونی‌سازی شده را تشکیل می‌دهند. این پرسشنامه مشکلات عاطفی - رفتاری و همچنین توانمندبها و شایستگیهای تحصیلی و اجتماعی کودکان ۶-۱۸ سال را از دیدگاه والدین مورد سنجش قرار می‌دهد و نوعاً در ۲۰ الی ۲۵ دقیقه تکمیل می‌شود (مینایی، ۱۳۸۵). این پرسشنامه از ۱۱۵ سؤال تشکیل شده است. پاسخ به سؤالات این پرسشنامه به صورت لیکرت ۳ گزینه‌ای از صفر تا ۲ است. به این ترتیب که نمره «صفر» به مواردی تعلق می‌گیرد که هرگز در رفتار کودک وجود ندارد، نمره «۱» به حالات و رفتارهایی داده می‌شود که گاهی اوقات در کودک مشاهده می‌شود و نمره «۲» به مواردی داده می‌شود که بیشتر مواقع یا همیشه در رفتار کودک وجود دارد. مقیاس مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده شامل گویه‌های خرده‌مقیاسهای رفتار قانون شکنی (RB) و رفتار پرخاشگری (AG) است. رفتار قانون شکنی (RB) شامل مواد ۲، ۲۶، ۲۸، ۳۹، ۴۳، ۶۳، ۶۷، ۷۲، ۷۳، ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۹۶، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۵ و ۱۰۶ و رفتار پرخاشگری (AG) شامل مواد ۳، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۷، ۵۷، ۶۸، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۴، ۹۵، ۹۷ و ۱۰۴ است.

● **روایی و پایایی:** ضرایب کلی اعتبار فرمهای CBCL با فرمول آلفای کرانباخ ۰/۹۷ و با استفاده از اعتبار بازآزمایی ۰/۹۴ گزارش شده است. روایی محتوایی، روایی ملاکی و روایی سازه این فرمها مطلوب گزارش شده است (رسکورلا، آخنباخ، گینزبرگ<sup>۲</sup>، ایوانوا<sup>۳</sup>، دومنسی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). در داخل کشور در پژوهش مینایی (۱۳۸۵) دامنه ضرایب همسانی درونی مقیاسها با فرمول آلفای کرونباخ از ۰/۶۳ تا ۰/۹۵ گزارش شده است. ثبات زمانی مقیاسها با روش آزمون - بازآزمون

1. Rescorla
2. Ginzburg
3. Ivanova
4. Dumenci

با یک فاصله زمانی ۸-۵ هفته بررسی شده که دامنه ضرایب ثبات زمانی از ۰/۳۲ تا ۰/۶۷ به دست آمده است. به‌طور کلی در پژوهش مینایی (۱۳۸۵) این نتیجه حاصل شده است که این پرسشنامه از اعتبار و روایی مطلوب و بالایی برخوردار است و با اطمینان می‌توان از آن برای سنجش اختلالات عاطفی- رفتاری کودکان و نوجوانان ۱۸-۶ ساله استفاده کرد. یزدخواستی و عریضی نیز (۱۳۹۰) ضریب اعتبار آلفای کرونباخ را برای این پرسشنامه در سه فرم والدین، معلم و کودک به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۳ و ۰/۸۲ به دست آورده‌اند.

### ● فرایند اجرای پژوهش

اجرای پژوهش حاضر در مرکز مشاوره تخصصی کودک ندای امید تبریز صورت گرفته است. مادران پیش از هر اقدامی سیاهه رفتاری کودک را تکمیل کردند. نتایج بر اساس نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ، مورد بررسی قرار گرفت و افرادی که اختلالات نمرات اختلالات برون‌ساز شده آنها بالا بود انتخاب شدند، سپس با مادران مصاحبه تشخیصی ترتیب داده شد و در نهایت بر اساس مجموع نمرات سیاهه رفتاری، مصاحبه و همچنین توانایی حضور مستمر دو ماهه در جلسات آموزشی و موارد دیگر ۲۴ مادر از میان ۸۶ نفر انتخاب شدند. برای بررسی اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران بر نشانه‌های اختلالات برون‌ساز شده کودکان، بسته آموزشی بر اساس کتاب راهنمای فرزندپروری با ACT (مزایا و لذت فرزندپروری ارزشمند برای سالهای اولیه کودکی) تألیف کوین و مورل و ترجمه بهرامی، فیضی و خوش‌چشم (۱۳۹۷) در ۸ جلسه دو ساعته طراحی شد و به مدت دو ماه (هر هفته یک جلسه دو ساعته) به مادران ارائه شد. در پایان آموزش از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد و پس از گذشت یک ماه از جلسات آموزشی، برای تشخیص ماندگاری تأثیر آموزش، پیگیری به عمل آمد.

#### جدول ۱. خلاصه جلسات آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد

تعداد جلسات	شرح جلسات
جلسه اول	آشنایی مادران شرکت‌کننده با همدیگر. بحث در مورد روشهای فرزندپروری سنتی و در نهایت بیان گمشده کلاسهای فرزندپروری (ذهن والدین) و اهمیت فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد. معرفی دو نوع والدگری (مهندسی و تعمیرکار) و در ادامه معرفی دو دیدگاه به فرزندپروری (فرایندی و نقطه) و ارتباط آنها با نوع والدگری مهندسی و تعمیرکار. معرفی سه والد بر اساس دیدگاه مبتنی بر پذیرش و تعهد (احساسی، منطقی و عاشق خردمند).
جلسه دوم	مرور جلسه پیش و توضیحات بیشتر در مورد انواع والدین. ترسیم جدول مربوط به موقعیت، تولیدات ذهن (احساس، فکر، امیال، علائم بدنی و خاطرات)، اضافه کردن ستون پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت رفتار برای بررسی و دادن بازخورد پیروی کردن از ذهن. معرفی پنج فرایند درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد.
جلسه سوم	آموزش انعطاف‌پذیری شناختی. ارائه پیامدهای داشتن انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و خزانه رفتاری کودکان. معرفی کامل پذیرش و استعاره مهمان و خانه کوچک و دادن تکالیف منزل برای تمرین پذیرش.

## جدول ۱. (ادامه)

تعداد جلسات	شرح جلسات
جلسه چهارم	مرور جلسه پیش و بررسی تکالیف منزل جلسه پیش. معرفی آمیختگی در مقابل گسلش و نجسبیدن به افکار. بررسی پنج مورد تولید ذهنی و بحث در مورد اینکه چقدر عروسک ذهنمان هستیم و در نهایت ارائه تکلیف منزل برای تمرین تشخیص آمیختگی و ممارست بر گسلش.
جلسه پنجم	بحث در مورد تکلیف جلسه پیش. آموزش خود در حکم زمینه و استفاده از استعاره شطرنج. آموزش زندگی در زمان حال و تکلیف- محور بودن و در ادامه مشخص کردن تکلیف منزل در راستای خود مشاهده‌گر، زمینه شطرنج بودن نه مهره‌های آن و همچنین تکلیف- محور بودن در لحظه مشخص.
جلسه ششم	مرور جلسات پیش و بحث در مورد تکالیف جلسه پیش و پاسخ به سؤالات پیش آمده. آموزش شفقت با خود. بیان تفاوت همدلی با همدردی. کمک به ایجاد همدلی در مادر. معرفی ارزشها با استفاده از استعاره فوت شدن و سر مزار رفتن. آموزش فهرست کردن ارزشها به‌ویژه در مورد مادر و فرزند و ارائه تکلیف منزل در مورد بازنگری و لیست کردن دقیق ارزشها.
جلسه هفتم	بحث در مورد سیاهه ارزشها. معرفی تفاوت ارزشها با انتظارات و باورها و عقاید. تقسیم ارزشها به کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، استعاره گیر کردن در جزیره و آموزش تمایل و تماشا. در ادامه تکلیف منزل برای تمرین تمایل و انجام دادن عمل متعهدانه داده شد.
جلسه هشتم	مرور جلسات پیش و بحث در مورد تکالیف جلسه پیش. معرفی شیوه‌های ارتباطی والدین مانند روش منفعلانه، پرخاشگرانه و برقراری ارتباط مؤثر یا مدبرانه. در ادامه شیوه برقراری ارتباط مؤثر در فرزندپروری آموزش داده شد. مشاهده به‌جای قضاوت و بیان احساسات در مورد آنچه مشاهده شده است. بیان کردن انتظاری که دارد و در نهایت مطرح کردن تقاضا. در ادامه این جلسه نیز با توجه به اتمام مداخله روشهای اصلاح رفتار مانند پرخاشگری و لجبازی آموزش داده شد و کاربرگ آنها که شامل دستورالعملهای چگونگی برخورد با مشکلات رفتاری کودکان بود در اختیار مادران قرار داده شد.

### ● روش آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از روشهای آماری توصیفی میانگین و انحراف معیار استفاده شد و برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل کوواریانس (آنکوا) و نرم‌افزار آماری SPSS-22 استفاده شد.

### ■ یافته‌های پژوهش

در این بخش با هدف بررسی میزان دستیابی به اهداف مدنظر در پژوهش، به تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. ابتدا با بهره‌گیری از روش آمار توصیفی، نتایج داده‌های به‌دست‌آمده از متغیرها توصیف شده است. میانگین و انحراف معیار مشکلات برونی‌سازی شده کودکان در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در گروههای آزمایش و کنترل در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

**جدول ۲. میانگین و انحراف معیار اختلالات برونی‌سازی شده در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در دو گروه آزمایش و کنترل**

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		گروه‌ها	متغیرها
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
۴/۵۴	۲۷/۱۶	۴/۶۶	۲۷/۵۰	آزمایش	اختلالات برونی‌سازی شده
۳/۴۴	۳۲/۹۱	۲/۶۶	۳۳/۲۵	کنترل	

نتایج جدول شماره ۲ و مرور یافته‌های توصیفی و مقایسه میانگین نمره‌ها در مرحله پس‌آزمون و پیگیری نشان داد که در متغیر وابسته، گروه آزمایش با گروه کنترل تفاوتی دارد. به‌منظور بررسی معناداری تغییرات، ابتدا پیش‌فرضهای استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس مورد بررسی قرار گرفت. یکی از پیش‌فرضهای آزمونهای پارامتریک برای مقایسه میانگینها، فرض نرمال بودن توزیع نمرات گروههای نمونه در جامعه بود که برای این مفروضه از آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد و نتایج آن نشان داد که سطح معناداری متغیر وابسته از ۰/۰۵ بیشتر بود که این امر بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها در این متغیر است ( $P > 0/05$ ). همچنین از آزمون لوین که برای نشان دادن همگنی واریانسها و همگنی شیب رگرسیون که پیش‌شرط اصلی انجام تحلیل کوواریانس است، استفاده شد که در ادامه ارائه می‌شود.

**جدول ۳. آزمون لون برای بررسی پیش‌فرض همگنی واریانسها**

معناداری	Df۲	Df۱	F	متغیر وابسته
۰/۰۶۵	۲۲	۱	۳/۷۷۸	برونی‌سازی شده

براساس جدول شماره ۳، آزمون لوین معنادار نیست ( $P < 0/05$ ) و این نشان‌دهنده آن است که واریانس خطا در میان آزمودنیهای گروه آزمایش و کنترل متفاوت نیست و واریانسها با هم برابرند. لذا پیش‌فرض همگنی واریانسها برقرار است. در ادامه به بررسی شیب رگرسیون پرداخته می‌شود.

**جدول ۴. همگنی شیب رگرسیونی برای بررسی تعامل میان پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری متغیر پژوهش**

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون برونی‌سازی شده * گروه آزمایش	۸/۸۸۴	۱	۸/۸۸۴	۲/۸۹۴	۰/۱۰۴
پیش‌آزمون * پیگیری	۰/۴۳۰	۱	۰/۴۳۰	۰/۰۷۴	۰/۷۸۸

همان‌گونه که نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، با توجه به اینکه ضریب F محاسبه شده برای تعامل گروه و پیش‌آزمون، معنادار نیست ( $P > 0.05$ )، لذا فرض همگنی ضرایب رگرسیون در متغیر اختلالات برونی‌سازی شده برقرار است. همچنین بر اساس جدول ۴ ضریب F محاسبه شده برای تعامل پیگیری و پیش‌آزمون نیز معنادار نیست ( $P > 0.05$ ). بنابراین فرض همگنی ضریب شیب رگرسیونی هم برقرار است و از این مفروضه تخطی نشده است. بنابراین با توجه به رعایت پیش‌فرضهای تحلیل کوواریانس، در ادامه به آزمون تحلیل کوواریانس (آنکوا) پرداخته می‌شود.

**جدول ۵.** نتایج تحلیل کوواریانس (آنکوا) آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران بر کاهش نشانه‌های اختلالات برونی‌سازی شده در پس‌آزمون و پیگیری

مرحله	مؤلفه	منبع تغییرات	SS	df	MS	F	سطح معناداری	مجدور ضریب اتا
پس‌آزمون	برونی‌سازی شده	پیش‌آزمون	۲۴۶/۹۶۹	۱	۲۴۶/۹۶۹	۷۳/۷۹۵	۰/۰۰۱	۰/۷۷۸
		گروه	۲۴۳/۴۱۴	۱	۲۴۳/۴۱۴	۷۲/۷۳۲	۰/۰۰۱	۰/۷۷۶
		خطا	۷۰/۲۸۱	۲۱	۳/۳۴۷			
		کل	۲۲۶۵۹	۲۴				
پیگیری	برونی‌سازی شده	پیش‌آزمون	۲۴۲/۳۵۳	۱	۲۴۲/۳۵۳	۴۳/۷۸۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۶
		گروه	۲۴۲/۹۴۹	۱	۲۴۲/۹۴۹	۴۳/۸۹۵	۰/۰۰۱	۶۷۶
		خطا		۲۱	۱۱۶/۲۳۰	۵/۵۳۵		
		کل	۲۲۲۱۷	۲۴				

بر اساس جدول شماره ۵، می‌توان گفت در مرحله پس‌آزمون، بین میانگین گروه آزمایش و کنترل پس از حذف تأثیر پیش‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد ( $F=72/732$  و  $P < 0.05$ ). بنابراین می‌توان گفت آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران بر کاهش نشانه‌های اختلالات برونی‌سازی شده کودکان اثربخش است. همچنین در ادامه جدول ۵ مشاهده می‌شود در مرحله پیگیری بین میانگین گروه آزمایش و کنترل پس از حذف تأثیر پیش‌آزمون تفاوت معنادار وجود دارد ( $F=43/895$  و  $P < 0.05$ ). بنابراین در این بخش نیز می‌توان گفت تأثیر آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران بر کاهش نشانه‌های اختلالات برونی‌سازی شده کودکان در طول زمان پایدار است.

## بحث و نتیجه‌گیری.....

از جمله اختلالات رایج در کودکان اختلالات برونی‌سازی شده است که بخش وسیعی از موارد بالینی را تشکیل می‌دهند. این اختلالات مزمن و پیش‌رونده مشکلاتی فزاینده در زندگی کودک و خانواده‌اش ایجاد می‌کنند و فرد را با خطر ابتلا به اختلالات شدیدتر در دوران بزرگسالی مواجه می‌سازند (کوستین، لیجت، هیل - اسمیت، وانس و لوک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴؛ به نقل از بیرامی، ۱۳۸۸). از میان عوامل زمینه‌ساز بروز این اختلالات، ناتوانی والدین در فرزندپروری مناسب به‌ویژه مادر عنوان شده است، لذا این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش گروهی فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران بر کاهش نشانه‌های اختلالات برونی‌سازی شده کودکان صورت گرفته است. با توجه به نوظ بودن فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد پژوهش به‌ویژه در زمینه متغیر وابسته، پژوهشی یافت نشد، اما اثربخشی آن در چندین متغیر دیگر مورد بررسی قرار گرفته است که می‌توان گفت همسو و همراستا با نتایج پژوهش حاضرند. از آن میان می‌توان به پژوهش‌های بلکلج و هیز (۲۰۰۶)، پودار و همکاران (۲۰۱۵)، گولد و همکاران (۲۰۱۸) و فقیهی و کجباف (۱۳۹۵ و ۱۳۹۶) اشاره کرد.

در تبیین یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت بسیاری از اختلالات رفتاری کودکان ریشه در تعاملات والد - فرزندی دارد. رفتارهای منفی والدین مانند فریاد زدن و تهدید کردن سبب تقویت رفتارهای نافرمانی و پرخاشگری در کودکان می‌شود که این امر نیز به‌نوبه خود سبب افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز والدین می‌شود (روشن، آقا یوسفی، علی‌پور و رضایی، ۱۳۹۵) و در واقع رابطه والد - فرزندی گرفتار یک چرخه معیوب می‌شود که آموزش مادران با تعاملات مثبت و عدم استفاده از رفتارهای خشونت‌آمیز سبب شکسته شدن این چرخه می‌شود. به‌بیان دیگر وقتی که رفتار ناخوشایند از کودک سر می‌زند، پاسخ مادر یا در کل والدین معمولاً رفتارهای ناخوشایند مانند داد زدن، تهدید کردن یا هر رفتار غیر مؤثر دیگر است. فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد معتقد است که این تعامل ناخوشایند میان کودک و والد دو پیامد دارد.

۱. پیامد کوتاه‌مدت: وقتی که کودک بد رفتاری می‌کند والد بر سر کودک فریاد می‌زند، لذا هم کودک آرام می‌شود و هم والد. ۲. پیامد بلندمدت: به‌عنوان مثال پس از یک سال هم رفتار فریاد زدن مادر بیشتر شده است و هم بد رفتاری کودک. لذا والد با توجه به مثبت بودن پیامد کوتاه‌مدت از آن استقبال می‌کند تا در آن لحظه اوضاع به سامان باشد، ولی روابط والد فرزندی نه‌تنها بهبود نمی‌یابد بلکه وخیم‌تر می‌شود. از این‌رو، براساس دیدگاه مبتنی بر پذیرش و تعهد، مشکل اصلی در موقعیت متصور شده ذهن والد است، یعنی والد پس از بد رفتاری کودک و پیش از پاسخ دادن

1. Costin, Lichte, Hill-Smith, Vance & Luk

به آن باید ذهن خود را ببیند و بر محتواهای آن که عبارت‌اند از امیال، افکار، احساسات، علائم بدنی و خاطرات تسلط پیدا کند و با در نظر گرفتن پیامد بلندمدت، رفتار و پاسخ صحیح و مناسب را اتخاذ کند (کوبین و مورل، ۱۳۹۷). لذا به نظر می‌رسد که آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد با تکیه بر فرایندهای شش‌گانه این‌رویکرد و طی کردن این مراحل از جمله تسلط مادران بر محتوای ذهنی پیش از دادن پاسخ، پذیرش مساله، گسلش، ارزشها و عمل متعهدانه، مؤثر بوده است.

به بیان دیگر می‌توان گفت والدگری منفعلانه و پرخاش‌گرانه در بسته آموزشی پژوهش حاضر به چالش کشیده شد و فرزندپروری با برقراری ارتباط مؤثر آموزش داده شد. یعنی ابتدا والد یاد گرفت به جای قضاوت کردن فقط به مشاهده بپردازد، سپس احساس خود را از آنچه مشاهده کرده است و انتظاری که از کودک خود دارد بیان کند و در نهایت خواسته خود را به صورت تقاضا مطرح کند. در ارتباط مؤثر از ایجاد تعارض میان روابط والد-کودک کاسته می‌شود و به بهبودی روابط می‌انجامد (کوبین و مورل، ۱۳۹۶). بنابراین اینگونه می‌توان گفت که هم به سبب آموزش برقراری ارتباط مؤثر و کاهش تعارض میان روابط والد-کودک و هم با توجه به اینکه فرزندپروری مبتنی بر تعهد و پذیرش تلاش می‌کند که والدین بتوانند با ذهن و فرایندها و محتواهای ذهنی خود آشنا شوند و با افزایش ظرفیت شناختی خود، رفتاری متناسب و هماهنگ با کودک خود در راستای فرزندپروری داشته باشند (فقیهی و کجباف، ۱۳۹۵)، بر کودکان تأثیر می‌گذارند. لذا مادران با اصلاح ذهنیت خود و بودن در زمان حال (تکلیف-محور بودن و متمرکز بر آن بودن)، با پذیرش واقعیتها به جای اجتناب از آنها و همچنین با برقراری ارتباط مؤثر و مدبرانه توانستند خزانه رفتاری کودکان خود را افزایش دهند (در یک موقعیت توانایی استفاده از رفتارهای مختلفی را داشته باشند) و سبب کاهش نشانه‌های اختلالات برونی‌سازی شده آنها شوند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به تعداد کم نمونه اشاره کرد که به سبب انجام دادن آن در مرکز مشاوره و عدم توانایی حضور مستمر مادران در جلسات آموزشی بود. همچنین می‌توان به کوتاه بودن مدت زمان آموزش اشاره کرد. همچنین میزان سواد مادران و استفاده از سیاهه رفتاری کودک (CBCL) - آخنباخ - نسخه والدین به تنهایی از محدودیت‌های این پژوهش بود. لذا پیشنهاد می‌شود این مداخله در پژوهش‌های آتی در مدت زمان بیشتر آموزش داده شود تا والدین بهتر بتوانند با آن ارتباط بگیرند و فرصت کافی برای انجام دادن تکالیف آن داشته باشند. همچنین پیشنهاد می‌شود به‌خاطر اینکه مادران مورد آموزش قرار گرفتند، در پژوهش‌های آتی از فرم معلم یا مربی نیز برای بالابردن اعتبار نتایج استفاده شود. در ضمن به دلیل اثربخش بودن آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد بر متغیر وابسته پژوهش پیشنهاد می‌شود که از آن در بهبود سایر اختلالات کودکی و روابط والد-فرزندی استفاده شود.

- بیرامی، منصور. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری به مادران پسران دبستانی مبتلا به اختلالات برونی‌سازی شده بر سلامت روانی و شیوه‌های تربیتی آنها. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۱ (۲)، ۱۰۵-۱۱۴.
- حیدریان‌سامانی، اندیشه؛ سجادیان، ایلناز و حیدری‌شاده‌ی، سمیه. (۱۳۹۶). اثربخشی گروه‌درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر ذهن‌آگاهی و پذیرش مادران دارای کودک مبتلا به اختلال طیف اتیسم. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۷ (۳)، ۸-۱.
- خانجانی، زینب و هداوندخانی، فاطمه. (۱۳۹۱). رابطه ابعاد شخصیت مادران با اختلال‌های برونی‌سازی و درونی‌سازی دختران. *روانشناسی معاصر*، ۷ (۱)، ۹۹-۱۰۸.
- دادستان، پریرخ. (۱۳۹۳). *روانشناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی*، جلد دوم، چاپ دوازدهم. تهران: سمت.
- رضایی، سعید؛ خدابخشی‌کولایی، آناهیتا و تقوایی، داوود. (۱۳۹۴). اثربخشی نقاشی درمانی بر کاهش اضطراب و پرخاشگری دانش‌آموزان دبستانی پسر دارای اختلالات برونی‌سازی شده. *نشریه پرستاری کودکان*، ۲ (۲)، ۱۰-۱۹.
- روشن، مریم؛ آقاییوسفی، علیرضا؛ علی‌پور، احمد و رضایی، اکبر. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی دو روش درمان تعامل‌والد-کودک و مقابله درمانگری مادران بر کاهش شدت مشکلات رفتاری کودکان ۳-۶ ساله. *دوفصلنامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*، ۱۴ (۱)، ۱۱۱-۱۲۳.
- زمستانی، مهدی؛ قلی‌زاده، زلیخا و علایی، مریم. (۱۳۹۷). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر افسردگی و اضطراب مادران دارای فرزند با اختلال نارسیایی توجه/بیش‌فعالی. *فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی*، ۸ (۲۹)، ۶۱-۸۴.
- شاکر ادرکائی، لیلا؛ رحیمی، مهدی و صالح‌زاده، مریم. (۱۳۹۶). اثربخشی شیوه درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سازگاری اجتماعی و عاطفی مادران با فرزند معلول ذهنی و جسمی. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۷ (۳)، ۶-۱.
- شیرجنگ، لیلا؛ مهریار، امیرهوشنگ؛ جاویدی، حجت‌اله و حسینی، سیدابراهیم. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی به والدین بر نشانه‌های اختلال نافرمانی مقابله‌ای در کودکان. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۵ (۵۸)، ۱۲۷-۱۳۷.
- شیری، اسماعیل؛ ولی‌پور، مصطفی؛ مظاهری، محمدعلی و رودباری‌سقای، بهناز. (۱۳۹۳). بررسی شیوع مشکلات رفتاری درونی و برونی‌سازی شده در بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی پسر شهرستان زنجان. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۲ (۲)، ۴۴-۵۳.
- فقیهی، محمدصالح و کجباغ، محمدباقر. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران بر عزت‌نفس کودکان دچار شکاف لب و کام. *یک پژوهش مورد منفرد. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۰ (۴)، ۴۵۳-۴۷۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران بر افسردگی کودکان مبتلا به شکاف لب و کام: یک پژوهش مورد منفرد. *مجله خانواده‌پژوهی*، ۱۳ (۴۹)، ۶۷-۸۹.
- کاکاوند، علیرضا؛ شمس اسفندآباد، حسن و بیرانوند، معصومه. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش تفکر مثبت به مادران بر کاهش اختلال‌های برونی‌سازی شده کودکان آنها. *مجله روان‌شناسی مدرسه*، ۴ (۴)، ۱۲۵-۱۴۲.
- کوین، لیزا دلبیو. و مورل، ایمی آر (۱۳۹۶). *لنت فرزندپروری: راهنمای کاربردی پذیرش و تعهد درمانی برای فرزندپروری در سال‌های اولیه کودکی*، ترجمه احمد عابدی، ناهید و کیلی‌زاده و علیرضا محسنی اژی (۲۰۰۹). اصفهان: نشر نوشته.
- کوین، لیزا دلبیو. و مورل، ایمی آر. (۱۳۹۷). *راهنمای فرزندپروری با ACT (مزایا و لذت فرزندپروری ارزشمند برای سال‌های اولیه کودکی)*، ترجمه سجاد بهرامی، علی فیضی و زهرااسادات خوش‌چشم. (۲۰۰۹)، چاپ اول، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- محمودلو، هادی؛ قربانیان، الهام و خانبانی، مهدی. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های شناختی- اجتماعی بر کاهش نشانگان اختلال نافرمانی مقابله‌ای دانش‌آموزان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۹ (۳)، ۹۹-۱۱۳.
- مینایی، اصغر. (۱۳۸۵). انطباق و هنجاریابی سیاهه رفتاری کودک اخنباخ، پرسشنامه خودسنجی و فرم گزارش معلم. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، ۶ (۱)، ۵۲۹-۵۵۸.
- ناصح، اشکان و محمودی، ندا. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی قصه‌درمانگری کودکان، آموزش رفتاری والدین و روش تألیفی آموزش رفتاری والدین توأم با قصه‌درمانگری در کاهش مشکلات برونی‌سازی شده کودکان. *خانواده‌پژوهی*، ۷ (۱)، ۱۵۵-۱۷۲.
- یزدخواستی، فریبا و عریضی‌سامانی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). هنجاریابی سه نسخه کودک، پدر/مادر و معلم سیاهه رفتاری کودک در شهر اصفهان. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۷ (۱)، ۶۰-۷۰.

- Achenbach, T. M. (2014). Achenbach system of empirically based assessment (ASEBA). In *The encyclopedia of clinical psychology* (pp. 1-8). New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Albert, M. M. (2005). *Examining the social skills differences among at-risk youth diagnosed with learning disability, conduct disorder and serious emotional disturbance*. Boston University.
- Blackledge, J. T., & Hayes, S. C. (2006). Using acceptance and commitment training in the support of parents of children diagnosed with autism. *Child & Family Behavior Therapy*, 28(1), 1-18.
- Bornsheuer-Boswell, J. N., Garza, Y., & Watts, R. E. (2013). Conservative Christian parents' perceptions of child-parent relationship therapy. *International Journal of Play Therapy*, 22(3), 143-158.
- Bradley, S. J. (2003). *Affect regulation and the development of psychopathology*. Guilford Press.
- Brown, F. L., Whittingham, K., Boyd, R. N., McKinlay, L., & Sofronoff, K. (2014). Improving child and parenting outcomes following pediatric acquired brain injury: A randomised controlled trial of Stepping Stones Triple P plus Acceptance and Commitment Therapy. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 55(10), 1172-1183.
- Coyne, L., & Murrell, A. R. (2009). *The joy of parenting: An acceptance and commitment therapy guide to effective parenting in the early years*. New Harbinger Publications.
- Dodge, K. A., Greenberg, M. T., Malone, P. S., & Conduct Problems Prevention Research Group. (2008). Testing an idealized dynamic cascade model of the development of serious violence in adolescence. *Child Development*, 79(6), 1907-1927.
- Fabiano, G. A., Pelham, W. E., Jr., Coles, E. K., Gnagy, E. M., Chronis-Tuscano, A., & O'Connor, B. C. (2009). A meta-analysis of behavioral treatments for attention-deficit/hyperactivity disorder. *Clinical Psychology Review*, 29(2), 129-140.
- Gould, E. R., Tarbox, J., & Coyne, L. (2018). Evaluating the effects of Acceptance and Commitment Training on the overt behavior of parents of children with autism. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 7, 81-88.
- Hayes, S. C. (2004). Acceptance and commitment therapy, relational frame theory, and the third wave of behavioral and cognitive therapies. *Behavior Therapy*, 35(4), 639-665.
- Hayes, S. C., Luoma, J. B., Bond, F. W., Masuda, A., & Lillis, J. (2006). Acceptance and commitment therapy: Model, processes and outcomes. *Behaviour Research and Therapy*, 44(1), 1-25.
- Hicks, B. M., South, S. C., DiRago, A. C., Iacono, W. G., & McGue, M. (2009). Environmental adversity and increasing genetic risk for externalizing disorders. *Archives of General Psychiatry*, 66(6), 640-648.
- Lin, X., Li, L., Chi, P., Wang, Z., Heath, M. A., Du, H., & Fang, X. (2016). Child maltreatment and interpersonal relationship among Chinese children with oppositional defiant disorder. *Child Abuse & Neglect*, 51, 192-202.
- Listig-Lunde, L., Bredemeier, K., & Tynan, W. D. (2005). Concurrent parent and child group outcomes for child externalizing disorders: Generalizability to typical clinical settings. *International Journal of Behavioral Consultation and Therapy*, 1(2), 124-129.
- Liu, J. (2004). Childhood externalizing behavior: Theory and implications. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing*, 17(3), 93-103.
- Poddar, S., Sinha, V. K., & Urbi, M. (2015). Acceptance and commitment therapy on parents of children and adolescents with autism spectrum disorders. *International Journal of Educational and Psychological Researches*, 1(3), 221-225.
- Rescorla, L. A., Achenbach, T. M., Ginzburg, S., & Ivanova, M., Dumenci, L., Almqvist, F., ... Verhulst, F. (2007). Consistency of teacher-reported problems for students in 21 countries. *School Psychology Review*, 36(1), 91-110.
- Runyon, M. K., & Deblinger, E. (2013). *Combined parent-child cognitive behavioral therapy: An approach to empower families at-risk for child physical abuse*. Oxford University Press.
- Van der Ploeg, J. D., & Scholte, E. M. (2008). *Handleiding Gezinsvragenlijst (GVL)*. Houten, Netherlands Bohn Stafleu van Loghum.